

آینه

ایران

دوقطبی کاذب:راهبردی برای سستی ائتلاف

● **آذر منصوری:** انسجام بی نظیر اصلاح‌طلبان، حامیان دولت و اصولگرایان معتدل در انتخابات اخیر سبب به‌حاشیه‌رفتن تحریکگران شد. تنها راهبردی که جریان مخالف برای برهم‌زدن این ائتلاف از آن بهره می‌گیرد و در مرحله دوم هم به این راهبرد دامن زد، ایجاد دوقطبی کاذب است، دوقطبی‌ای که یک طرف آن عارف به عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و حامیان دولت و در طرف دیگر آن علی لاریجانی است که بیشترین همراهی‌ها را با دولت داشت. این جریان‌ها از طریق ایجاد این دوقطبی کاذب به دنبال ایجاد شکاف بین فراکسیون‌نی هستند، اگر فراکسیون «امید» نتواند با رویکرد فراگیر، اکثریت مجلس را از آن خود کند، می‌توان گفت تدروها در ایجاد شکاف موفق بوده‌اند. نه در این دوره و نه دوره‌های گذشته، رئیس یا ترکیب هیأت‌رئیسه موضوع چندان مهمی نبوده است. همان‌گونه که تاکنون ائتلاف فراگیر اصلاح‌طلبان، حامیان دولت و اصولگرایان معتدل توانسته با اتخاذ راهبرد ائتلاف حداکثری و تأکید بر مطالبات حداقلی از کرده‌های سخت عبور کند، از این‌ به بعد هم این راهبرد می‌تواند توافق و تعامل را در دل فراکسیون و انتخاب هیأت‌رئیسه ایجاد کند و به این دوقطبی خاتمه دهد.

اعتراض

موضوع ریاست مجلس را به کف جامعه نکشانیم

● **محسن هاشمی:** مهم‌ترین مزیت ریاست اصلاح‌طلبان در مجلس احیای هویت آنان در عرصه رسمی است، مزیت دیگر امکان استفاده از اختیارات ریاست مجلس در جهت موضوعات مدنظر اصلاح‌طلبان در جلسات سران سه قوه و بخش انتصابی نظام است، اما در کنار این مزیت‌ها اشکالاتی نیز وجود دارد، از جمله پاسخگوشدن اصلاح‌طلبان در مجلسی که اکثریت شکننده دارند و نحوه تعامل سوال‌انگیزی با دیگر قوا داشته باشند. تأثیر یک فراکسیون کارآمد و بابرنامه در مجلس در بسیاری از مواقع می‌تواند بسیار کارساز باشد، در همین مجلس نهم شاهد بودیم در برخی موضوعات نظیر استیضاح وزیرعلوم، با وجود حمایت آشکار رئیس مجلس از وزیر علوم، به دلیل عملکرد فراکسیون اصولگرایان علیه این وزیر، دکتر فرجی‌دانا نتوانست حدنصاب لازم را برای ادامه مسئولیت‌ا در مجلس بگیرد... سیاست‌ورزی، عرصه عملگرایی است و طبیعی است هر جریان سیاسی به دنبال مصالح ومنافع خود باشد، ایجاد اختلاف در جریان اعتدال، ممکن است به فروپاشی آن منجر شود و جریان ماباره‌و به دو بخش اصولگرایی واصلاح‌طلبی با نام جدیدی تجزیه شود، مستقبل نمی‌تواند در طول دوره چهارساله مجلس استقلال خود را حفظ کند و در نهایت جذب یکی از دو فراکسیون اصلی خواهد شد.

کیمیا

شیطان کیمج شده بود!

● **حسین شریعتمداری:** مردم ما آموخته‌اند و به چشم بصیرت دیده‌اند، آنان که در کوچ قافله عاشورائیان از مدینه به کربلا، ندای هل من ناصر حسین بن‌علی(ع) را شنیدند ولی به هر علت، با این قافله همراه نشده یا پس کشیده بودند. بر این باور بودند که جان خویش به سلامت از معرکه بیرون برده‌اند ولی این خیال خام، دیری دوام نداشت و هنگامی که در دوران «بی‌حسینی (ع)» نوبت به حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌مروان رسید، جان و مال و ناموس آنان در امان نماند... و چنین است که حاضر نشده و نمی‌شوند حسین زمانه را تنها بگذارند یا تجربه تلخ به تکرار بنشیند. راستی، آن روز، روی سخن حسین بن علی علیه‌السلام با فرزندان پاکبخته خمینی و خامنه‌ای نبود؟ آنان که ندای «هل‌من ناصر» مولائشان را لبیک‌گویان به میقات برده‌اند، آنان که امروز، سقف ظلمانی نظام سلطه را شکافته و طرحی نو در انداخته‌اند...

سجده

راه‌سوم

● یک صندلیی، دو کاندیدا و چند پیشنهاد، وصف حال این روزهای کرسی ریاست قوم‌مفنه است. علی لاریجانی به عنوان نماد جریان میانه‌رو و محمدرضا عارف در قامت لیدر اصلاح‌طلبان بهارستان بازیگران اصلی صحن مجلس برای نقش ریاست هستند. گرچه برخی به دنبال دو قطبی‌سازی میان لاریجانی و عارف هستند اما به نظر می‌رسد که برخی سیاستمداران نگاهی دیگر دارند. آنها از دو سومی سخن می‌گویند که نگاهی فراثر از قطب‌بندی‌های معمول در پارلمان است. گرچه لیدر اصلاح‌طلبان پارلمان روز کنبشه و در جریان سفر به قم از دو مرتبه صحبت تلفنی با علی لاریجانی بعد از انتخابات خبر داد اما تأکید کرد که موضوع این مکالمه ریاست مجلس نبوده و ضمناً نشست حضوری هم در باب مدیریت مجلس با لاریجانی نداشته است؛ اما همان گروهی که معتقدند ریاست این دوره مجلس را باید با نگاهی فراثر از قطب‌بندی و نگرش جناحی حل‌وفصل کرد، اتفاقاً تأکید دارند این نشست‌های مشترک به‌منظور توافق میان عارف و لاریجانی باید اتفاق بیفتد. در میان کسانی که معتقدند عارف به واسطه حضور حداکثری لیست امید به ریاست مجلس خواهد رسید و عده‌ای دیگر که بر این باورند علی لاریجانی با توجه به ترکیب مجلس تنها لیدر اصولگرایان در مجلس است و به همین دلیل هم اجماع‌روی ریاست او به راحتی اتفاق خواهد افتاد خط سومی هم وجود دارد. خط سومی که پیشنهادی متفاوت دارند. آنها معتقدند، می‌توان یک نفر را برای ریاست سازمانی بهارستان برگزید و نفر دوم ریاست سیاسی مجلس را برعهده داشته باشد.

اینها مجموعه مطالبی است که امیرعباس سلطانی

ادامه از صفحه اول

در آخرین روزهای نمایندگی‌اش در مجلس نهم و در گفت‌وگوی تفصیلی با «شرق» به تشریح آنها پرداخته است. مشروح گفت‌وگوی ما با سلطانی را در ادامه بخوانید.

ا ابتدا دراین باره که قبل از تحریم‌ها مکانیسم فروش نفت ما چگونه بود، توضیح مختصری بدهید.

قبل از تحریم‌ها به شکل خیلی راحت، شرکت نفت مستقیماً با کشورهای مختلف و شرکت‌های بزرگی که وابسته به دولت‌ها بودند قرارداد فروش نفت را منعقد می‌کرد. این شرکت‌ها از کشورهایمانند ژاپن و کره و هند تا کشورهای اروپایی بیش از ۷۰ درصد نفت را به صورت مستقیم از شرکت نفت می‌خریدند و حدود ۳۰ درصد از نفت هم با واسطه شرکت‌های خصوصی فروخته می‌شد که حساب آنها کاملاً مشخص بود و پول هم به حساب شرکت نفت واریز می‌شد و چیزی خارج از این سیستم نداشتیم. بعد از تحریم‌ها به‌دنبال محدودیت‌هایی که به وجود آمد – من تأکید می‌کنم که به بهانه دوزدن تحریم‌ها و نه واقعاً برای این کار – سبک‌پول مفاصد بزرگ به وجود آمد. به‌رحال ما تحریم را دور می‌زنیم که منفعتی برای کشور داشته باشد؛ اما در قضیه بایک زنجانی که به بهانه دوزدن تحریم‌ها، یک سلسله‌کارها صورت گرفته، تنها چیزی که عاید مملکت نشده منفعت بوده است. شما ببینید این فرد کیست؛ کسی که در سال ۷۶ در بانک مرکزی سرباز بوده و در سال ۹۰ بیش از ۶۰ شرکت داخلی و خارجی به نامش ثبت شده است.

ماجرای دلارفروشی‌ای در زمانی که سرباز بانک مرکزی بوده چندر صحت دارد؟

در اینکه دلار می‌فروخته هیچ بحث و تردیدی نیست؛ اما اینکه رئیس وقت بانک مرکزی چنین موقعیتی را به او داده باشد، فکر نمی‌کنم صحت داشته باشد. این فرد با ارتباطاتی که در آن زمان در بانک مرکزی داشته و روابطی که با صراف‌ها پیدا می‌کند، چون در سیستم اداری و بانکی ما همان‌طور که معروف است و می‌گویند گاهی یک آبدارچی بیشتر از یک مدیر می‌تواند کار افسردار راه بیندازد، اینجا هم این فرد از موقعیتی که آنجا پیدا کرده بوده چنین استفاده‌ای می‌کند.

با همه این تفاسیر بایک زنجانی قبل از تحریم‌ها چه موقعیتی از نظر اقتصادی پیدا کرده است؟

به‌رحال این فرد در ترکیه، تاجیکستان، مالزی و روسیه سرمایه‌گذاری‌هایی می‌کند؛ اما آنچه سؤال ایجاد می‌کند، این است که چرا این فرد یک‌باره در یک مقطع زمانی خاص در ورزش و سینما، صداوسیما، بانک‌ها و اقتصاد کشور به‌سرعت می‌تواند به جایگاهی خاص برسد و در این فاصله بسیار کوتاه اموالش در کشورهای دیگر هم چند برابر می‌شود. نکته دیگری که باید در نظر گرفت این است که این فرد قبل از واردشدن به این مناسبات سطح بالا در کشور، یک‌بار به‌دلیل داشتن چک برگشتی به زندان رفته بوده، سابقه جعل اسناد داشته و سه شناسنامه هم داشته که خودش هم به داشتن این سه شناسنامه اعتراف کرده است. حالا اینکه چنین فردی چگونه یکباره بدون در نظر گرفتن همه این سوابق سوء، در چنین سطحی از اقتصاد کشور دارای اختیارات می‌شود و به او اعتماد می‌کنند، یک سؤال مهم است. چگونه با فردی که این سوابق را دارد، نه یک قرارداد، بلکه ۱۲ قرارداد نفتی منعقد می‌شود؟ ۱۲ کشتی نفت و میعانات به بایک زنجانی تحویل می‌دهند و سررسید آخرین چکی هم که از او می‌گیرند، پایان سال ۲۰۱۲ میلادی بوده است و هیچ تضمین بانکی‌ای هم از او گرفته نمی‌شود.

مبلغ کل این قراردادها چقدر بوده است؟

کل مبلغ این ۱۲ قرارداد، ۴۰۱میلیارد دلار بوده که حدود ۲۰۷ میلیارد دلار آن برگشته است.

ادعای او وولکانیز این است که یک واسطه بوده، نفت را منتقل کرده و پول هم تا زمانی برگشته و از یک زمانی به‌دلیل تحریم‌ها بلوکه شده است.

این ادعا را ایشان وقتی در کمیسیون انرژی حاضر شد هم مطرح کرد و گفت من نه خریدار بودم و نه فروشنده، درحالی‌که همین نامه‌ای که خطاب به نمایندگان مجلس و دادستان نوشته و در آن خواسته خود را بی‌نگاه نشان دهد، بهترین سند برای نفض ادعای قبلی اوست، زیرا در همین نامه مشخص است که او خودش، هم خریدار بوده و هم فروشنده و هم واسطه. بایک زنجانی یک شرکت خارجی به نام «اینترنشنال سیف» داشته که سهم عمده آن به نام خودش است. او نفت را از شرکت نفت می‌خرد و به شرکت خودش می‌فروشد و این وسط حق دلالی هم می‌گرفته است. الان یک نفر بخواهد وام بگیرد از تمام بانک‌ها درباره‌اش استعلام می‌شود؛ اما بایک زنجانی را با همه این سوابقی که گفتیم، فری می‌خوانند و با حضور چهار وزیر و شخص رئیس کل بانک مرکزی با او ۱۲ قرارداد منعقد می‌شود و هیچ ضمانتی هم از او نمی‌گیرند. آیا می‌شود بانک مرکزی که به تمام اطلاعات بانکی افراد دسترسی دارد، نداند مشغول قراردادیستن با چه کسی است؟

این ۱۲ قرارداد در چه مدتی منعقد شده؟ حدوداً در سه الی چهار ماه این قراردادها بسته شده و این همان ماه‌های اولیه سال ۹۱ بوده است.

سیاست

امیرعباس سلطانی از پشت پرده‌های تخلفات نفتی در دولت قبل می‌گوید:

کارگردانان نفت و رانت



عسکر

حامد ملکپور، تصویر

هم اینجا بالاکشیده و غیر از این موارد، بازهم پول‌هایی به او پرداخت شده است.

ا این پرداخت‌ها با چه مجوزی بوده؟ مگر شرکت نفت می‌تواند بدون اخذ مجوز، به هرکس با هر عنوانی هرچقدر پول خواست، بدهد؟
بالاخره همان کسانی که او را به این موقعیت رسانده بودند و چنین اعتمادی هم به او داشتند، این اختیار را هم داشته‌اند که در قالب‌های مختلف به او پول بدهند و مستندات این پول‌ها هم موجود است.
شما قبلاً هم با عنوان دست‌های پشت‌پرده پرونده زنجانی از این افراد یاد کرده‌اید. اخیراً هم به این گفته بودید که این دست‌های پشت‌پرده، پرونده ضراب و زنجانی و سعید مرتضوی را هدایت می‌کنند. سخنگوی قوه قضائیه هم اعلام کرده اگر شما دراین باره مستندی دارید باید ارائه کنید. شما درباره پشت پرده مشترک ضراب و زنجانی و مرتضوی سندی دارید؟

ابتدا لازم است دراین باره یک مقدمه بگویم و آن هم اینکه برای شکل‌گیری فساد باید یک مثلث تشکیل شود که یک ضلع آن رانت، ضلع دوم رانت‌ساز و ضلع سوم رانت‌خوار است. بدون مبارزه هم‌زمان با هرسه ضلع فساد، نمی‌شود با فساد مبارزه کرد. حالا با ذکر این مقدمه به پرونده زنجانی نگاه می‌کنیم. اینجا بایک زنجانی رانت‌خوار است. خوب بگویند رانت‌ساز این پرونده چه کسی بوده است؟ خود بایک زنجانی در کمیسیون انرژی گفته و نوار آن هم موجود است که می‌گوید من را به بانک مرکزی دعوت کردند و وزیر اطلاعات، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر نفت، وزیر اقتصاد و رئیس‌کل بانک مرکزی دو ساعت پشت درهای بسته مذاکره کردند و بعد گفتند باید این قرارداد را ببندید. من متهم‌های این پرونده را سه گروه می‌دانم؛ اول دولتی‌ها اعم از وزرا و مسئولان دیگر که الان کاری به عمدی یا سهوی‌بودن تقصیرشان ندارم. دوم

نکته‌هایی از ماجرای زنجانی به روایت اسناد دادگاه

● براساس کیفرخواستی که توسط نماینده دادستان در دادگاه قرائت شد، به‌صراحت عنوان می‌شود که بایک زنجانی تا پیش از دولت دهم (دولت دوم محمود احمدی‌نژاد)، درواقع یک تاجر بسیار معمولی بوده که البته با سوابقی مانند چک برگشتی طعم زندان را هم چشیده بود. در همین زمینه آنچه در جلسات سیزدهم و یازدهم دادگاه زنجانی مطرح شد، حاوی مطالب مهمی است. هم بایک زنجانی به نقش وزرای احمدی‌نژاد اشاره می‌کند و هم وکیلش، بایبک زنجانی می‌گوید: «زمانی به کشور خدمت کردم و پول‌های انتقال‌ناپذیر را در آن هنگام انتقال دادم. من عملاً در سیستم بین‌المللی، پول‌شویی کرده‌ام. مصوبه‌ای آن یاد می‌شود، مربوط به مصوبه‌ای با امضای سه وزیر و رئیس وقت بانک مرکزی است. موکل من که در تنظیم این مصوبه نقش داشته است.»

● در دومین جلسه دادگاه فساد نفتی، نماینده دادستان در قرائت کیفرخواست متهم فساد نفتی گفت: «پس از آنکه زنجانی به «س.ج.س» متصل می‌شود، این فرد موضوع را با وزیر نفت

وقت در میان می‌گذارد و او بایک را تأیید می‌کند. مصوبه هفتم تیر ۹۱

با امضای حسینی، وزیر اقتصاد، معدن و تجارت، رستم قاسمی، وزیر نفت و محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی در دولت دهم، واریز ۱۴۵درصد منابع ارزی حاصل از فروش نفت به حساب بانک «FIIB» سکوی پرتاب زنجانی شد». نماینده دادستان در ادامه قرائت کیفرخواست کلاهبرداری از شرکت نفت را

خود بایک زنجانی و اطرافیانش مانند ضراب و سوم شبکه بانکی. شما اگر درباره یک جلسه غیرعلنی دادگاه بایک زنجانی و حرف‌هایی که در آن جلسه زده شد، اطلاع داشته باشید، متوجه می‌شوید که پشت پرده‌ها چه بوده است. اعترافات زنجانی در آن جلسه غیرعلنی خیلی چیزها را معلوم می‌کند. او به نام کسانی اشاره کرده که هیچ حکمی برای آنها صادر نشده است. آقای ازهای چندین بار گفته‌اند که زنجانی با بیرون و برخی افراد ارتباط داشته است. من می‌گویم همان افراد هم با افسرد دیگر ارتباط دارند و پیداکردن این ارتباطات خیلی دشوار نیست.

ا شبکه بانکی تقصیری جدا از دولتی‌ها دارد؟

بله. وقتی مسئولان بانک مسکن می‌آیند در کمیسیون انرژی و از بایک زنجانی دفاع می‌کنند معنایش چیست؟ نوارهای کمیسیون انرژی موجود است. وقتی بایک زنجانی به همراه نماینده‌های بانک‌ها به کمیسیون آمده بودند، نمایندگان بانک‌ها از شفاف‌سازی و بیان واقعیت طفره می‌رفتند. آیا ممکن است شبکه بانکی نقشی در این پرونده نداشته باشد؟ من درباره اظهارنظر آقای ازهای فقط می‌گویم و چند نفر از شرکایش محاکمه می‌شوند. ولی تکلیف کسانی که این قراردادها را بسته‌اند چه شد؟
ا گفته‌اند که این افراد به عنوان مطلع احضار شده‌اند و از آنها تحقیق به عمل آمده و اتهامی متوجهشان نبوده است.

خب این مشخص است که وقتی به من تلفن بزنند و بگویند چرا این قرارداد را بستید، می‌گویم برای دوزدن تحریم‌ها بوده است. اما باید پرسند که ما تحریم را دور می‌زنیم که چیزی عاید کشور شود. شما بگویید با این نوع دوزدن تحریم‌ها چه سودی به کشور رسیده است؟ اینجا را شفاف‌سازی نکنند. الان در این پرونده به‌جز شمس و قلاح، مثلاً آقای جشن‌ساز هم دستگیر شده و او با عنوان فردی که قرارداد را بسته نقش اساسی داشته است. اما اینجا همه یک دسته هستند و دسته دیگر تکلیفش معلوم نیست.

ا آقای جشن‌ساز براساس تصمیم همان جلسه چهار وزیر با زنجانی، قرارداد را بسته؟

ایشان کجای پرونده است؟ من کاری با مصداق ندارم. می‌گویم یک نفر دستور داده و باید جایش در این پرونده مشخص شود. البته من واقعاً از قوه قضائیه تشکر می‌کنم که خوب در موضوع مبارزه با فساد مداخله کرده‌اند و بخشی از اشکالات هم به این دلیل است که حجم فسادها خیلی زیاد است. اما حرف من این است که باید با هر سه ضلع برخورد شود و باید ریشه خشکانده شود تا باز هم بایک زنجانی به وجود نیاید. باید بگویند که نقش آقای مرتضوی در کجای پرونده بایک زنجانی بررسی شده است؟ نه من و نه افکار عمومی نمی‌توانیم بپذیریم که آن چهار وزیر و مسئولان هیچ تقصیری به پرونده نداشته باشند. کاری به عمد یا سهو‌بودن ندارم، ولی بی‌تقصیر دانستن مسئولان وقت را کسی نمی‌تواند قبول کند.

ا در کیفرخواست آمده که زنجانی از شرکت نفت و تأمین اجتماعی کلاهبرداری کرده است. این ارباب انجابت خود، طبیعتاً گفته می‌شود که افرادی مثل وزیر نفت وقت با مرتضوی تخلفی نداشته‌اند و زنجانی سر آنها کلاه گذاشته است.
برای اینکه موضوع روشن‌تر نشود من شما را به دفاعیات آقای زنجانی ارجاع می‌دهم. چرا ایشان در همه دفاعیات خود اصرار دارد که از شخص آقای احمدی‌نژاد و مسئولان دولت قبلی دفاع کند و مدام مشغول حمله‌کردن به مسئولان دولت فعلی است؟ دفاعیات او چرا سیاسی است؟ او اصلاً درباره کیفرخواست صحبت نمی‌کند. به نظام و دولت و اشخاص و وزرای فعلی تهمت زد و هنوز هم حکم اعدام را باور نکرده و همه چیز را به مسخره گرفته است. چرا الان او که مثلاً در معرض اعدام است، همچنان دروغ می‌گوید و سرکار می‌گذارد؟ آیا واقعاً یک محکوم به اعدام می‌تواند این‌قدر بی‌خیال باشد؟ استنباط من این است که او از جایی حمایت می‌شود که تحت هیچ شرایطی حاضر به همکاری نیست. شما این را بدانید که بایک زنجانی فقط ویرترین است، این چیزهایی که در دفاعیاتش گفته و همه را نادان فرض شد و خودش را یک آدم باهوش و توانا جازده را اگر شما باور دارید، من باور ندارم. او تنها یک ویرترین برای مافیایی است که این ماجرا را هدایت می‌کند.

ا با توجه به تأکیدی که روی ارتباط ضراب و زنجانی دارید، موضوع بازداشت ضراب در آمریکا را چگونه تحلیل می‌کنید؟

شما سفر ضراب به آمریکا و بازداشت او را تصادفی قلمداد نکنید. الان آمریکا به ضراب به‌عنوان یک طعمه نگاه می‌کند و می‌تواند برای پس‌دادن او مطالبه‌هایی مطرح کند. یا اینکه از ضراب علیه نظام اعتراف‌هایی بگیرد. این درحالی است که ما می‌توانستیم در ترکیه ضراب را کنترل کنیم. بایک زنجانی را هم نمی‌شود جدا از ضراب دید، چون ضراب از مدیران شاخص زنجانی بوده است. من گزارش کاملی از مجموعه معاملات و مرادوات زنجانی و ضراب را آماده کرده‌ام که تا دو هفته آینده آنها را تکمیل می‌کنم و به طور کامل در اختیار قوه قضائیه قرار خواهم داد.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اعتراض

- آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی: شیعی‌انگاشتن انقلاب، کوچک‌شمردن آن است
- در نشست دبیران استان‌های جامعه مهندسين مطرح شد: باهنر، محور جدید اصولگرایان
- با گذشت سه ماه از ناپدیدشدن رابرت لوینسون صورت گرفت؛ درخواست کمک همسر پلیس سابق آمریکا از ایران
- وزیر امور خارجه با اشاره به سخنان رایس در اجلاس شرم‌الشیخ: با قانع‌شدن آمریکا در زمینه فعالیت هسته‌ای ایران، پس مشکلی وجود ندارد

ایران

- میرتاج‌الدینی: اصولگرایان مجلس استیضاح فرشی‌دی را سیاسی می‌دانند
- احمدی‌نژاد: حضور جوانان روحیه انقلابی را در فضای مدیریتی حاکم می‌کند
- عبادت رئیس‌جمهوری از آیت‌الله فاضل‌لنکرانی
- معاون اول رئیس‌جمهوری: کشورهای مستقل باید با همکاری مشترک به نفع ملت‌های خود اقدام کنند
- امامی‌کاشانی: همه در اجرای طرح امنیت اجتماعی مسئولیت دارند
- رئیس شورای سیاست‌گذاری انمه جمعه: اقدام رئیس‌جمهوری درباره نیمه ایران شجاعانه بود
- متکی در گفت‌وگو با شبکه العالم: انگلیس باید پاسخ‌گوی مذاکرات خود با طالبان باشد

کیمیا

- متکی در دانمارک: گروه ۵+۱ سیاست‌های ناشی از نگرش آمریکا را اعمال می‌کند
- لاریجانی تأکید کرد: غرب به جای درشت‌گویی درصدد تهاقم باشد
- نفسست ۵+۱ درباره ایران برگزار شد
- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه: آمریکا درباره تهدید موشکی ایران افراف می‌کند
- سلطانیه خبر معاونت ایران از ورود بازرسان آژانس به نظنر را رد کرد
- جورج بوش: هدف از سفر چنی به خاورمیانه تحکیم جبهه‌ای مخالف علیه ایران است
- با ابلاغ دولت ادارات دولتی باید جای ایرانی مصرف کنند

جمهوری اسلامی

- نمایندگان مجلس عراق خواستار تعیین جدول خروج نظامیان آمریکایی از کشورشان شدند
- اعتراض علیه سارکوزی به دانشگاه‌های فرانسه کشیده شد
- انجمن اسلامی اصناف و بازار: دولت گرانی را انکار نکند
- انمه جمعه: طرح مبارزه با مفاصد باید هگمانی شود
- کروسی: عده‌ای قدرت‌طلب سعی دارند شرایط سختی را برای انتخابات مجلس ایجاد کنند
- با اعلام تاریخ کناره‌گیری بلر: بوش نزدیک‌ترین متحد اروپایی خود را از دست داد
- آیت‌الله شاهرودی: هرکسی بین شیعه و سنی خطکشی کند، باید مجازات شود

اطلاعات

- احمدی‌نژاد: ما نیاز به بمب نداریم چراکه دوره آن به سر رسیده است، امروز دوره اندیشه است
- صفارهرندی: مهدویت باید دور از انحراف و خرافه ترویج شود
- لاریجانی: تدبیر درست غرب، زمینه‌ساز تفاهم هسته‌ای است
- رئیس قوه قضائیه در جمع علمای اهل سنت خبر داد: قضاوت تحکیمی در دستگاه قضائی احیا می‌شود
- حدادعادل در نمایشگاه کتاب: ما با تکیه بر تمدن غنی و کهن خود، فرهنگ جدیدی را تجربه می‌کنیم
- امام‌جمعه قم خواستار هگمانی‌شدن طرح مقابله با ناامنی اجتماعی شد

آفتاب

- خداحافظی ژاک شیراک و تونی بلر با قدرت
- خبرسازاری رسانه‌های خارجی در غیاب اطلاع‌رسانی بموقع دولت در مورد سهمیه‌بندی بنزین
- طالبانسی: نیروهای خارجی می‌توانند تا دو سال از عراق خارج شوند
- متکی: دیدار وزرای خارجه ایران و آمریکا، به مقدمه‌چینی نیاز دارد
- رئیس قوه‌قضائیه: انتقاد و مخالفت با نظام، گاه در میان شیعیان بیشتر از سنی‌هاست
- جمع‌آوری امضا برای طرحی دوفوریتی جهت تقویت نظارت نمایندگان مجلس